

معرفی مفهوم طبقه از دیدگاه بوردیو

* فریده ممتاز

دانشگاه شهید بهشتی

چکیده

در این مقاله کوشش خواهد شد تا مفهوم طبقه از دیدگاه بوردیو معرفی شود. مفهومی که او تحت تأثیر مارکس، وبر و ساخت‌گرایان فرانسوی برای انجام تحقیقات تجربی و نظری به‌وجود آورده است. از نظر بوردیو دو مفهوم اصلی به طبقه مربوط می‌شوند: (۱) سرمایه (۲) عادت‌واره. در اینجا تأثیر متفکران کلاسیک مشهود است. بوردیو با خلاقیت کامل مفاهیم جدیدی ساخته است که بتوان از آن در سطح یک چارچوب نظری کلان برای هر جامعه قشریندی شده استفاده کرد. هدف او خلق یک مفهوم نیست که فقط در جامعه فرانسه قابل استفاده باشد. او یک جامعه‌شناس متبحر و یک نویسنده برجسته است. بوردیو کوشش کرده است تا مفهوم طبقه را در سطح تحقیقات تجربی گسترش دهد. آثار او انباشته از تحقیقات تجربی با استفاده از روش‌های آماری پیشرفته است. در کتاب‌های تمایزها و اشرافیت دولتی بحث مفصلی درباره مفاهیم سرمایه، عادت‌واره و شیوه زندگی و رابطه آن با طبقه مطرح می‌سازد که به همراه خود تحقیقات تجربی جالبی را در جامعه فرانسه ارائه می‌دهد. امید است که با ارائه این مفهوم راه برای تحقیقات تجربی در ایران گشاده‌تر شود.

کلیدواژه‌ها: بوردیو، طبقه، سرمایه، عادت‌واره.

Introducing the Concept of "Class" from Bourdieu's Point of View

Farideh Momtaz, M.A.

Assistant Professor, Department of Sociology
College of Letters and Human Sciences, Shahid Beheshti University

Abstract:

This article has tried to introduce the concept of class from the point of view of the well known French sociologist Pierre Bourdieu. A concept that Bourdieu has drawn from Weber, Marx and Structuralism. He has made many empirical surveys on this subject and his books are full of empirical data along with well grounded theory. He has tried to show the relationship of class to social status, taste and way of life. Most importantly he has introduced the concept of "habitus" to make a good theoretical framework in order to explain the concept of class which is much more multidimensional from this point of view compared to the classical sociologists. Another important concept for understanding class is capital which Bourdieu believes can be divided into economic capital, social capital, cultural capital and symbolic capital. Bourdieu is an excellent sociologist and a remarkable writer. He has created a theoretical framework which is quite encompassing and can be used not only on a micro sociological scale, but on a macro sociological level and can be used for societies other than France and indeed any stratified society.

Keywords: Pierre Bourdieu, class, social status, structuralism, habitus.

* کارشناسی ارشد از دانشگاه لانگ آیلند نیویورک، استادیار گروه جامعه‌شناسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی.

مقدمه

مفهوم طبقه از دیدگاه بوردیو عمدتاً ترکیبی از دیدگاه کارل مارکس و ماکس وبر است. او تحت تأثیر مارکس مفهوم رابطه موقعیت طبقاتی و ابزار تولید را در نظر گرفته است و از وبر تحلیل گروه‌های منزلتی یعنی شیوه زندگی، سلیقه و پایگاه را الهام می‌گیرد. علاوه بر این، بسیاری از بحث‌های او یادآور نظریه طبقات جامعه‌شناس امریکایی ثرستون و بلن نیز می‌باشد. در کنار این متفکران کلاسیک او از ساخت‌گرایی فرانسوی از نظر بررسی نقش عامل در ایجاد ساخت اجتماعی هم استفاده کرده است. در این مقاله کوشش خواهد شد تا مفاهیم کلیدی بوردیو در ارتباط با طبقه مورد بررسی قرار گیرد و توضیح داده شود که این مفاهیم تنها در حد تجربی و خرد قابل استفاده نبوده است، بلکه مفاهیم مهمی از نظر جامعه‌شناسی و انجام تحقیقات در زمینه قشربندی اجتماعی و طبقه هستند.

در آثارش به ویژه کتاب‌های *تمایزها* (Distinctions) و *اشرافیت دولتی* (State Nobility) تحلیل‌های مفصل تجربی در مورد جامعه فرانسه انجام داده است (Burdieu 1996, 2000). او ادعا نمی‌کند که به یک نظریه کلان دست یافته، اما تحلیل او از مفاهیم سرمایه (capital) و عادت‌واره (habitus)، جریان پیدایش و باز تولید منزلت را از طریق تمایزها و نمادها در طول زمان نشان داده است که می‌تواند گامی مهم در راه دستیابی به یک نظریه کلان محسوب شود.

سرمایه از دیدگاه بوردیو

در اینجا ابتدا به بحث در مورد سرمایه می‌پردازیم که رابطه‌ای نزدیک با موضوع طبقه دارد. چهار نوع سرمایه مورد نظر بوردیو است: (۱) سرمایه اقتصادی، (۲) سرمایه اجتماعی، (۳) سرمایه فرهنگی و (۴) سرمایه نمادین.

(۱) سرمایه اقتصادی تشابه زیادی با مفهوم مارکسی کلمه سرمایه دارد و شامل سرمایه تولیدی می‌گردد که می‌تواند برای تولید اشیا و خدمات به کار آید.

(۲) مفهوم سرمایه اجتماعی به مقامات و روابط گروهی یا شبکه‌های اجتماعی (دوستی و نظیر آن) مربوط می‌گردد که فرد در درون آن قرار گرفته است و می‌تواند به نفع خود از آن استفاده کند.

(۳) مفهوم سرمایه فرهنگی نزدیک به مفهوم وبری شیوه زندگی است که شامل مهارت‌های خاص، سلیقه، نحوه سخن گفتن، مدارک تحصیلی و شیوه‌هایی می‌گردد که فرد

از طریق آن خود را از دیگران متمایز می‌سازد. این نقطه‌نظر یادآور مفهوم مصرف‌چشمگیر و بلن نیز هست. یعنی طبقات بالا با چشمگیر ساختن شیوه زندگی خود از دیگران متمایز می‌شوند.

۴) مفهوم سرمایه‌نمادین که شامل کاربرد نمادهایی می‌گردد که فرد به کار می‌گیرد تا به سطوح دیگر سرمایه خود مشروعیت بخشد (Turner 1998: 512).

اشکال گوناگون سرمایه قابل تبدیل به هم هستند. به‌طور مثال، سرمایه اجتماعی می‌تواند فرد را وارد روابطی سازد که حاصل آن کسب میزانی از سود به شکل پول یا انواع مالکیت باشد. به همان ترتیب، تحصیلات به سرمایه اقتصادی قابل تبدیل است و گاه ممکن است به سرمایه اجتماعی نیز تبدیل گردد. به این ترتیب که تحصیلات و داشتن مدارک عالی مشاغل پردرآمدی را در اختیار فرد قرار می‌دهد که با قرار گرفتن در آن موقعیت‌ها می‌تواند نه تنها به پول بلکه به قدرت نیز دست یابد و از نمادهایی هم برای مشروعیت بخشیدن به موقعیت خود استفاده کند. البته موانعی نیز در راه تبدیل انواع سرمایه به یکدیگر وجود دارد. کسانی که سرمایه اقتصادی دارند و آن را تازه به‌دست آورده‌اند، ممکن است هر چقدر کوشش کنند نتوانند سرمایه فرهنگی را که شامل داشتن سلیقه خوب، یا سخن گفتن به طریق خاص، یا دانستن چند زبان خارجی است بیاموزند. در این زمینه و بلن هم با اشاره به مصرف‌چشمگیر بحث‌هایی مشابه بورديو اما حدود یک قرن پیش مطرح ساخته است (Veblen 1965).

او اشاره می‌کند که به‌طور مثال داشتن یک کتابخانه مجلل یا کلکسیون نقاشی نمایشگر فراغت و مصرف‌چشمگیر است و طبقه مرفه از آن طریق اثبات می‌کند که شیوه زندگی متفاوت از دیگران دارد. یعنی از نظر زمانی، وقت خرید این کتاب‌ها و نقاشی‌ها را دارد و از نظر مالی پرداخت این نوع هزینه‌ها برایش بسیار آسان است. یا در یک قرن پیش پوشیدن پیراهن سفید نمایشگر موقعیت طبقاتی فرد بود که نشان می‌داد او به هیچ وجه با کارهای یدی تماس ندارد.

توزیع این سه نوع سرمایه تعیین‌کننده موقعیت طبقاتی عینی فرد در نظام اجتماعی است. به عبارت دیگر، ساخت طبقاتی از طریق ترکیب انواع این سرمایه‌ها به وسیله گروه‌ها روشن می‌شود. طبقات بالا بیشترین میزان سرمایه اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و نمادین را دارد. طبقه متوسط مقدار کمتری از این انواع را در اختیار دارد و طبقه پایین کمترین مقدار این ترکیب از منابع را مورد بهره‌برداری قرار می‌دهد (Turner 1998: 512-13).

ساخت طبقاتی یک سلسله مراتب ساده نیست بلکه در درون هر یک از طبقات شاخه‌های گوناگونی وجود دارد که در درجه اول مربوط به ترکیب انواع سرمایه و در درجه دوم مربوط به منشأ سرمایه و مدت زمانی می‌شود که فرد این ترکیب را در اختیار داشته است.

ترنر تصویر شاخه‌های سه طبقه را ترسیم می‌کند. شاخه بالا در هر طبقه بیشترین میزان سرمایه اقتصادی و شاخه پایین بیشترین سرمایه فرهنگی و نمادین (به طور مثال، ایدئولوژی از نوع مربوط به طبقه پایین) را دارد. بخش میانی میزان متوسطی از سرمایه اقتصادی، فرهنگی و نمادین را در اختیار دارد. شاخه بالا بخش مسلط در هر طبقه و شاخه پایین بخش زیر سلطه است و بخش میانی موقعیت پست‌تری نسبت به طبقه بالا و موقعیت برتری نسبت به طبقه پایین دارد. در ضمن شاخه‌ها در کشمکش برای دستیابی به منابع و مشروعیت بخشیدن به خودشان کوشش می‌کنند، آن‌ها گروه‌ها و شبکه‌های اجتماعی را به وجود می‌آورند تا از آن طریق به سرمایه اجتماعی دست یابند. اما توانایی آن‌ها برای ساختن چنین شبکه‌هایی محدود است و تحت تأثیر دیگر اشکال سرمایه‌ای هستند که در اختیار دارند (Turner 1998: 514).

بورديو بر این اعتقاد نیست که طبقات همانند گروه‌ها هستند، بلکه با استفاده از مفهوم مارکس در مورد طبقه در خود و طبقه برای خود اظهار می‌دارد که تحت تأثیر شرایط، محیط‌های واقعی و اجتماعی خاص می‌توانند تبدیل به گروه شوند، یعنی زمانی که نسبت به وجود و قابلیت‌های خود آگاهی کسب می‌کنند. برای وقوع چنین امری تجهیز سرمایه‌های مادی، فرهنگی و نمادین ضروری است. همچنین در بسیاری از موارد، سرمایه نمادین و تبدیل آن به ایدئولوژی که ترکیب‌هایی از منابع را مشروعیت می‌بخشد، سهم عمده‌ای دارند. به طور مثال، زمانی که روشنفکران و هنرمندان علاقه تجار و بورژوازی را به پول و سرمایه مورد تحقیر قرار می‌دهند و آن‌ها را افرادی فاقد فرهنگ در نظر می‌گیرند، مورد تبدیل نمادها به ایدئولوژی را می‌بینیم که سعی می‌کنند با ایدئولوژی خود از تسلط مالکین ابزار تولید بکاهند (Turner 1998: 514).

ابتکار مهم بورديو در مقابل جامعه‌شناسان پیشین که در مورد قشر بندی بحث کرده‌اند این است که از یک موقعیت ایستا به سوی جریانی حرکت می‌کند که تمایزهای منزلتی تعریف شده و در طول زمان در ارتباط با اشیای فرهنگی (cultural objects) باز تولید می‌شوند. او مفهوم سرمایه را برای نشان دادن منابع مهمی مطرح می‌سازد که در طول زندگی مورد

استفاده قرار می‌گیرند و سپس فضای قشربندی بر مبنای طبقه را از نقطه نظر سرمایه تعریف می‌کند. از دیدگاه بوردیو سه عامل در سرمایه تأثیر می‌گذارد: (۱) حجم (volume)، (۲) ترکیب (composition) و (۳) مسیر (trajectory). حجم مربوط به میزان سرمایه می‌گردد. ترکیب به میزان فراوانی نسبی سرمایه اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی مربوط می‌شود. همان‌طور که قبلاً هم ذکر گردید سرمایه اقتصادی به میزان سرمایه مادی در نظام تولیدی، سرمایه اجتماعی به شبکه آشنایان و سرمایه فرهنگی به دانش، سلیقه و شیوه زندگی مربوط می‌شود که به فرد اجازه می‌دهد از طریق آن به منزلت دست یابد. سرمایه فرهنگی بر مبنای نظر بوردیو دو منبع مهم دارد: نخست عادت‌واره‌ها در زندگی خانوادگی و دوم تحصیلات. از دیدگاه بوردیو تحصیلات از جمله متغیرهای بسیار مهمی است که می‌تواند حتی جانشین عادت‌واره خانوادگی شود. زیرا می‌تواند به فرد سلیقه، ادب و شیوه‌هایی را بیاموزد که فرد را به منزلت خاص نزدیک می‌کنند (Bourdieu 1984:113-114).

بر مبنای نظریه بوردیو بعضی از افراد حجم کمی از سرمایه چه اقتصادی و چه فرهنگی را دارند که ترکیب آن دو به جایی نمی‌انجامد. اما از طرف دیگر، میزان زیاد سرمایه فرهنگی در کنار میزان زیاد سرمایه اقتصادی قرار می‌گیرد به‌ویژه اگر در طول چند نسل دوام داشته باشد. در واقع، در بازار فروش آثار هنری امروز، مرز میان سرمایه فرهنگی و سرمایه اقتصادی از میان می‌رود. به طور مثال یک اثر نقاش هلندی به نام وان گوگ به وسیله یک سرمایه‌دار ژاپنی به قیمت ۸۲/۵ میلیون دلار در سال ۱۹۹۰ خریداری می‌شود. یعنی قیمت‌های کلان برای آثار هنری پرداخته می‌شود که ترکیب سرمایه فرهنگی و سرمایه اقتصادی را غیر قابل تفکیک می‌سازد (Hall and Neitz 2003: 47). در مقایسه با قسمت پایینی و بالایی سلسله مراتب طبقاتی بخش میانی ترکیب سرمایه فرهنگی و اقتصادی متغیرتری دارد. یعنی در این قسمت گروه‌های متفاوت ممکن است میزان بیشتر یا کمتری از این دو نوع سرمایه را در ترکیب با هم داشته باشند که این امر در ارتباط با متغیر شغل نیز قرار می‌گیرد. به طور مثال اعضای کم‌ثروت‌تر اما روشنفکران با فرهنگ فرانسوی ممکن است به فعالیت‌های کم‌خرج‌تر تفریحی مثل پختن غذاهای عجیب بپردازند، در حالی که قشر ثروتمند در همان سطح فرهنگی ممکن است به رستوران‌های گرانقیمت‌تر بروند (Hall and Neitz 2003: 48).

و بالاخره مسیر در نظریه بوردیو با اهمیت است. همه ما امکان تحرک طبقاتی داریم که این امر از منشأ طبقاتی آغاز شده تا موقعیت کنونی ما حرکت می‌کند. به‌طور مثال، فرزندی که

مغازه‌دار کوچک ممکن است با کسب سرمایه فرهنگی به موقعیت اقتصادی و سیاسی و قدرت قابل توجهی دست یابد. هر فردی مسیری را در زندگی اجتماعی خود طی می‌کند که آن مسیر می‌تواند او را از یک نقطه به نقطه دیگر حرکت دهد (Hall and Neitz 2003: 48). در مواردی این حرکت می‌تواند بر عکس هم باشد یعنی فردی با موقعیت طبقاتی بالا و سرمایه اقتصادی خوب به دلایلی ثروت خود را از دست بدهد و یا فرزندانش نتوانند همان موقعیت را حفظ کنند یا سرمایه اقتصادی را تبدیل به سرمایه فرهنگی سازند. اما در اکثر موارد حرکت از طبقه بالا به پایین کمتر واقع می‌شود. اما همان‌طور که بوردیو هم مرتباً تأکید می‌کند کسب سرمایه فرهنگی یعنی تحصیلات یکی از راه‌های مهم در تحرک طبقاتی در جامعه مدرن است.

فرهنگ و طبقه

بحث‌های بوردیو در مورد طبقه همیشه با مفهوم فرهنگ او گره خورده است. طبقه از نظر بوردیو بر خلاف مارکس یک پدیده مجرد نیست که بتوان به سادگی آن را تعریف کرد. متغیرهای گوناگونی در ارتباط با این مفهوم دست اندرکارند. از این رو، منظور بحث درباره قشربندی اجتماعی و مفهوم طبقه در آثار بوردیو با بحث در مورد فرهنگ از دیدگاه او رابطه‌ای بسیار نزدیک دارند. بحث اصلی بوردیو درباره فرهنگ نمایش واقعیت روابط طبقاتی است. او به موضوع کشمکش و رقابت در مورد منزلت توجهی ویژه دارد. بوردیو معتقد است که کوشش برای مشخص شدن یکی از بنیادی‌ترین ابعاد زندگی اجتماعی است. بنابراین، او به سلیقه فرهنگی توجه دارد که به منزلت تبدیل می‌گردد. بوردیو برای چگونگی مصرف فرهنگی اهمیتی خاص قائل است. بیشتر بحث‌های او در اطراف طبقه، شاخه‌های طبقاتی و شیوه زندگی دور می‌زند. در کتاب *تمایزها* او با انجام پیمانشی در جامعه فرانسه کوشش می‌کند یک مدل قابل استفاده در سطح هر جامعه قشربندی شده ارائه دهد (Bourdieu 1984).

عادت‌واره و رابطه آن با طبقه

مفهوم مهم دیگری که بوردیو به کار می‌برد و برای درک طبقه ضروری است عادت‌واره است. او معتقد است که عاملین اجتماعی تحت تأثیر تجربیات گذشته دارای عادت‌واره‌هایی هستند که به نظام‌های بینش سلیقه و قضاوت مربوط می‌شود و آن‌ها را قادر به انجام اعمال روزانه تحت تأثیر دانش عملی می‌سازد. یعنی از طریق عادت‌واره می‌توانند به شرایط اجتماعی پاسخ

داده و محرک‌های مرسوم عمل را مورد استفاده قرار دهند. در این جا محاسبه نتایج یا انتخاب عقلانی ابزار به کار گرفته شده وجود ندارد اما عمل کننده در چهارچوب محدودیت‌های ساختی به شکل بی‌نهایت عمل می‌کند و ممکن است استراتژی‌های جدید نیز به کار گیرد. به عبارت دیگر، گرایش‌های خاصی در وجود عامل از طریق تجربیات گذشته هست که او را قادر می‌سازد آن‌گونه که باید و شایسته است عمل کند و این بعد به طور مستقیم مربوط به تربیت طبقاتی او می‌شود (Bourdieu 2000: 138-139). به یک معنی عادت‌واره آگاهی جمعی طبقاتی به معنی مارکسی آن در میان افرادی است که یک موقعیت خاص طبقاتی را اشغال کرده‌اند. عادت‌واره راه‌های شناخت و رهنمودهای احساسی در اختیار فرد قرار می‌دهد که فرد را قادر می‌سازد تا جهان را طبقه‌بندی کرده ارزیابی و انتخاب نماید.

عادت‌واره نمایشگر سلیقه، نحوه سخن گفتن، آرایش خود، و شیوه‌های رفتار است. به طور مثال، بوردیو به شکل تجربی نشان می‌دهد که رابطه‌ای میان سلیقه در انتخاب غذا و سلیقه نسبت به آثار هنری، نحوه لباس پوشیدن، نحوه سخن گفتن و سلیقه نسبت به موسیقی وجود دارد. بنابراین، سلسله‌مراتب طبقاتی و اشیای فرهنگی، ارجحیت‌ها و رفتار کسانی که در موقعیت خاص طبقاتی هستند به هم مربوط هستند. توجه خاص بوردیو به سلیقه یکی از آشکارترین نشانه‌های عادت‌واره است. با این که به نظر می‌رسد سلیقه یک پدیده ساده طبیعی و شخصی باشد، اما بوردیو معتقد است که رابطه‌ای مستقیم با موقعیت طبقاتی دارد، تضاد در سلیقه میان افراد به تضاد طبقاتی مربوط می‌شود (Turner 1998: 515-516).

بوردیو به موضوع رابطه میان منشأ اجتماعی و رفتارهای فرهنگی می‌پردازد که عمدتاً از طریق عادت‌واره مشخص می‌شود. مردم فرهنگ مصرف را می‌آموزند و این امر هم از طریق تحصیلات رسمی و هم از طریق منشأ اجتماعی انجام می‌گیرد. منشأ اجتماعی تأثیر عمیقی در سلیقه و رفتار دارد.

مدل سه شاخه‌ای بوردیو درباره سلیقه

مدل سه شاخه‌ای بوردیو درباره سلیقه عبارت است از: (۱) سلیقه مشروع، (۲) سلیقه متوسط، (۳) سلیقه مردم پسند. این یک طرح از سلیقه و ارجحیت‌ها است که رابطه‌ای مستقیم با تحصیلات و طبقه اجتماعی دارد. در این مدل، شیوه زندگی و سلیقه فرهنگی مطرح می‌شود. زیباشناختی طبقه پایین یک زیباشناختی تحت سلطه است که همیشه باید خود را از طریق

سلیقه طبقه مسلط توجیه کند. از دیدگاه بوردیو طبقه کارگر کمتر از طبقه متوسط یا طبقه بالا قادر به ساختن یک دیدگاه زیباشناختی است. زیبایی اشیا از طریق طبقات مسلط تعریف می‌شوند و این امر می‌تواند از زیبایی یک اتومبیل تا یک نقاشی یا یک عکس را در برگیرد. فاصله طبقات بالا با نیازهای ضروری به آن‌ها اجازه می‌دهد که به ابعاد زیبایی به طور جدی‌تری بپردازند و این نشانه تمایز آن‌ها است. در واقع، سلیقه یکی از شاخص‌های مهم هویت است و یکی از مهم‌ترین نشانه‌های کنش متقابل در درون طبقات است. افراد با کسانی که از طبقه مشابهی می‌آیند معاشرت و ازدواج می‌کنند و این رفتارها درون طبقاتی است (Bourdieu 1984: 54-56). خرده بورژوازی بین این دو شاخه قرار می‌گیرد. از یک طرف علاقمند به ایجاد فاصله میان خود و طبقه پایین است و از طرف دیگر فاقد تجربیات فرهنگی و آموزشی لازم برای نزدیک شدن به سلیقه مشروع است؛ یعنی آن‌ها نمی‌توانند به‌سادگی طبقه بالا و با خیال آسوده عادت‌واره‌های طبقه بالا را دنبال کنند (Bourdieu 1984: 56). موقعیت طبقاتی افراد آن‌ها را در شرایط مشابهی قرار می‌دهد که عادت‌واره‌های یکسانی را برایشان پدید می‌آورد. این موقعیت میزان خاصی از دسترسی به کالاها و قدرت را در اختیارشان قرار می‌دهد. بوردیو از متغیر شغل در کتاب *تمایزها* استفاده می‌کند و شاخه‌های طبقاتی را بر مبنای شغل تعیین می‌نماید. آن‌گاه او به بررسی میزان مالکیت می‌پردازد، یعنی سرمایه اقتصادی که از نشانه‌های گوناگون مانند مالکیت خانه، اتومبیل و انواع آن و همچنین سرمایه فرهنگی، روزنامه‌هایی که خوانده می‌شود، رفتن به تئاتر، علاقه به موسیقی کلاسیک و غیره استفاده می‌کند تا متغیرهای تشخیص طبقه را نشان دهد.

بوردیو از نقطه نظر یک ساخت‌گرا به شیوه‌هایی توجه دارد که فعالیت‌های روزمره عاملین تا حدود زیادی تحت تأثیر تاریخ زندگی و ساخت عینی جهان اجتماعی قرار دارند و این اعمال بدون این که تحت تأثیر هدفمندی‌های آن باشد ساخت سلسله مراتبی نابرابر را حفظ می‌کند. همان طور که قبلاً هم ذکر شد مدل مورد نظر او به شکل زیر است:

الف) شرایط عینی هستی با ترکیب آن در ساخت اجتماعی که بتواند، ب) عادت‌واره را به‌وجود آورد، یک ساخت ساخت‌یافته نظامی از طرح‌هایی که اعمال و امور را طبقه‌بندی می‌کند، ج) نظامی از بینش و سلیقه که در این میان اعمال را از یکدیگر متمایز سازد، د) یک شیوه زندگی متشکل از اعمال طبقه‌بندی شده که نشانه‌های مشخص داشته باشد. در حالی که فاصله زیادی میان قدم اول و آخر وجود دارد. این طرح بدون شک تعیین‌کننده ساخت طبقاتی است (Jenkins 1992: 141-142).

حوزه‌های گوناگونی برای ارجحیت‌ها وجود دارند. سلیقه‌هایی که میان انواع گوناگون تولیدات و طبقه‌های گوناگون مصرف‌کننده حرکت می‌کند. هر حوزه‌ای می‌تواند مد نظر باشد. از موزیک مردم پسند تا نحوه انتخاب لباس همه می‌توانند حوزه‌ای از انتخاب‌ها را پدید آورند که این انتخاب‌ها نشانه تمایزها هستند. تفاوت‌های طبقاتی و دنبال کردن این تمایزها به شکل بی‌نهایت می‌تواند ادامه داشته باشد.

اهمیت نظر بورديو جهت کاربرد آن در دیگر نقاط جهان از جمله ایران

سؤال این است که علت مطرح شدن این نظریه چیست؟ شاید برای خواننده ایرانی به‌ویژه بعد از انقلاب اسلامی یعنی جوانان دانشجوی این شیوه‌های ایجاد تمایز بی‌معنی باشد. اما آن‌ها واقعی هستند و از این طریق است که طبقه حاکم در سراسر جهان وجوه تمایز خود را حفظ می‌کند. وجوه تمایزی که فقط کسانی که درگیر این نوع ساختن واقعیت هستند پدید می‌آورند، حتی اگر نسبت به آن آگاه نباشند. به سادگی می‌توان موقعیت طبقاتی هر فردی را از طریق غذا خوردنش تشخیص داد. بورديو سعی کرده است کشمکش‌های طبقاتی را به شکلی که در جامعه مدرن نامحسوس هستند نشان دهد (کشمکش‌های طبقاتی پنهان).

این که از چه غذایی خوشتان می‌آید، چه می‌پوشید، چه موسیقی را گوش می‌دهید، چه اتومبیلی را سوار می‌شوید، برای تعطیلات به کجا سفر می‌کنید یا اصلاً تعطیلاتی دارید همه نشانه‌های طبقه‌ای هستند که به آن تعلق دارید.

اهمیت بورديو در چیست؟ او به مسئله تمایزهای طبقاتی همانند مارکس به عنوان کشمکش طبقاتی توجه کرده است. در جهان امروز که همواره طبقه متوسط بزرگ‌تر می‌شود و مصرف توده‌وار شامل همه افراد می‌گردد، کم‌کم به نظر می‌رسد که مسئله طبقه کم‌رنگ است. اما در واقع مسئله طبقه همانند همیشه نه تنها کم‌رنگ نیست بلکه نشانه‌های ستم کشیدگی طبقات محروم است. آیا با استفاده از نظر بورديو می‌توان مسئله طبقه را در ایران مورد بررسی قرار داد. چرا در جامعه ایران به نظر می‌رسد که طبقات وجود ندارند؟ آیا این چنین است؟ آیا ما نشانه‌های قابل سنجش در مورد طبقه نداریم؟ آیا بورديو فقط درباره جامعه فرانسه رابطه طبقه و سلیقه موسیقی یا مدارس را که فرد به آن فرستاده می‌شود سنجیده است؟ بله او به بررسی جامعه فرانسوی مدرن پرداخته است اما نظریه او در دیگر نقاط جهان می‌تواند مورد استفاده قرار گیرد. در ایران نیز می‌توان از این چهارچوب نظری برای تحقیقات

تجربی استفاده کرد. آیا تفاوت زیادی میان یک کودک طبقه پایین و کودک طبقه متوسط یا بالا که با معلم‌های متفاوت وارد بهترین دانشگاه‌ها می‌شوند وجود دارد؟ با استفاده از این دیدگاه نظری و با دخل و تصرف‌هایی در آن، می‌توان مدلی برای تشخیص تمایزهای منزلتی در ایران یافت.

برتری آثار بورديو در این است که تئوری را با تجربه آمیخته است با سنجش‌های تجربی که بسیار هم از نظر تکنیک‌های آمار پیشرفته هستند، سعی کرده است تمایزهای طبقاتی را مشخص سازد. با تلفیق نظری کوشش نموده تا کلاسیسیزم را با مدرنیسم و مابعد مدرنیسم آشتی دهد. بدون شک آثار بورديو نه تنها در فرانسه و در غرب بلکه در جامعه‌شناسی به طور کلی تأثیر قابل توجهی خواهد داشت. باید دقت داشت که تمایزها و نشانه‌های آن در جامعه ما تمایزهایی با تأثیرپذیری از غرب است. نه به این معنی که ما تمایزهای طبقاتی و کشمکش‌های طبقاتی نداشته‌ایم. تمایز در نحوه سخن گفتن آشکارترین نماد تمایز طبقاتی است. بعضی از جملات اگر با دقت بیشتری نگاه کنیم خاص طبقه مسلط (اشراف قدیم مثلاً در صد سال پیش) بوده‌اند. اشراف قدیم ایران چون تحت تأثیر استعمار غربی قرار داشته‌اند بسیاری از عادات اروپاییان را تقلید می‌کردند و وجه تمایز آن‌ها از آن طریق تعیین می‌گردید. هر کس که بیشتر با فرهنگ اروپایی آشنایی داشت بیشتر می‌توانست نشان دهد و ادعا کند که به طبقه بالا تعلق دارد، و حتی امروز هم این چنین است. نحوه استفاده از کارد و چنگال، داشتن سرویس‌های مفصلی از ظروف و حک علامت خانوادگی روی آن‌ها، نحوه تزئین منزل، استفاده از میز و صندلی، دانستن زبان‌های خارجی، آشنایی با فرهنگ و موسیقی غربی همگی نشانه‌های تمایز طبقاتی بودند.

آنچه که ذکر شد به این معنی نیست که تمایزهای طبقاتی قبل از آشنایی با فرهنگ غرب در ایران وجود نداشته است بلکه ایرانیان با داشتن حکومت‌های استبدادی و به‌شدت قشربندی شده همواره تمایزهای منزلتی خود را داشته‌اند. اظهار نظر دقیق در این مورد نیازمند یک تحقیق تاریخی گسترده است که از حوصله این مقاله خارج می‌باشد. اما در هر حال هر جامعه قشربندی شده‌ای که از مرحله اولیه تساوی و امرار معاش عبور کند، به‌تدریج دارای نوعی از تمایزهای منزلتی می‌گردد. اما این امر در جامعه معاصر شکل دیگری به خود می‌گیرد که در ارتباط با تبلیغات، تولید انبوه و رسانه‌های گروهی تصویر تساوی طبقاتی ارائه داده می‌شود، در حالی که در پس همه این تبلیغات ساخت طبقاتی و تمایزهای طبقاتی به شدت وجود دارند.

البته همان طور که بوردیو و وبر اظهار داشته‌اند، طبقات مسلط گوناگون با شیوه‌های متفاوت زندگی در جامعه وجود دارند که هر یک بر مبنای ترکیب سرمایه‌های گوناگونشان نشانه‌ها و تمایزهای مربوط به طبقه خود را دارند. در جامعه‌ای که انقلاب رخ می‌دهد تمایزهای طبقاتی در ابتدا حالت مغشوش و نامشخص به خود می‌گیرند، اما پس از گذشت چند دهه طبقات در جای خود قرار می‌گیرند و شیوه‌های جدید و عادت‌واره‌های نو استوار می‌شوند و زندگی اجتماعی را تحت تأثیر قرار می‌دهند. شاید در جامعه ایران در حال حاضر عادت‌واره‌های جا افتاده مانند غرب کمتر وجود داشته باشند. در بعضی موارد مشاهده می‌شود که حتی عادت‌واره‌های قومی و منطقه‌ای با عادت‌واره‌های شهری و در مواردی غربی تناقض پیدا می‌کنند. اما در هر صورت عادت‌واره‌های جدید در حال شکل‌گیری هستند و تمایزهای طبقاتی به تدریج از طریق آن‌ها روشن‌تر می‌شود. بدون شک، جامعه ایران یک جامعه طبقاتی است، اما ساختار طبقاتی ما به علت وجود دگرگونی‌ها و تحولات اجتماعی، شکل خاص خود را دارد. شاید بتوان از نظریه بوردیو برای انجام یک تحقیق تجربی در ایران استفاده کرد. بر مبنای نظر خود او "نظریه بدون تحقیق خالی است و تحقیقات تجربی بدون نظریه کور هستند" (Jenkins 1992: 10).

منابع

- Bourdieu, Pierre. 1984. *Distinction*. Translated by Richard Nice. London: Routledge.
- Bourdieu, Pierre. 1996. *The State Nobility*. Translated by Laurttac Clough. Oxford: Polity Press.
- Bourdieu, Pierre. 2000. *Pascalian Meditations*. Translated by Richard Nice. Oxford: Polity Press.
- Hall, Rogohn, Mary go Neitz and Marshall Battanl. 2003. *Sociology on Culture*. London: Routledge.
- Jenkins, Richard. 1992. *Pierre Bourdieu*. London: Routledge.
- Turner, Jonathan H. 1998. *The Structure of Sociological Theory*. Belmont, CA: Wadsworth Publishing Company.

Veblen, Thorstein. 1965. *The Theory of the Leisure Class*. New York: Modern Library.

Wacquant Loic J.D. 1996. "Toward a Reflexive Sociology: A Workshop with Pierre Bourdieu." In *Social Theory and Sociology*, edited by Stephen P. Turner, Oxford: Blackwell Publisher.

Archive of SID